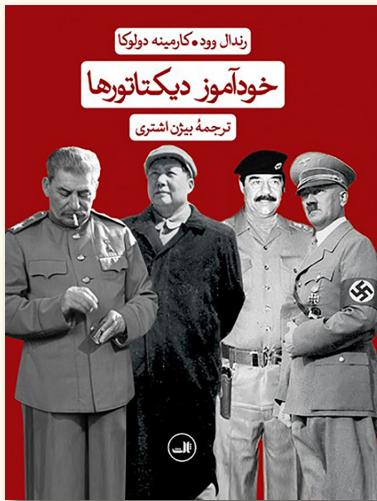


چگونه یک دیکتاتور موفق باشیم؟

(قسمت دوم)



امروزه شرایط کمی عوض شده است. در واقع دیکتاتوری دیگر به شکل حکومت مستبدانه از نوع حکومت نازی‌های آلمان نیست. حالا در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که حمایت از مردم‌سالاری و اصول دموکراتیک مهم است. از شنیدن کلمه‌ی دموکراسی نگران نشو. تو می‌توانی با ایجاد تغییر در اصول و نهادهای دموکراتیک، همان کنترل تمام‌عیاری را که در طلبش هستی، به دست آوری. ساده‌تر بگویم: دم از حفظ و صیانت از اصول مردم‌سالاری و دموکراسی بزن اما در عمل نظام دیکتاتوری مطلوب‌ات را برپا کن. تو باید گرگی در لباس میش باشی!

دوره‌ی قدیم دیگر گذشت. حالا دیکتاتوری‌های قرن بیست و یکم زیر ظاهری دموکراتیک پنهان می‌شوند. نیازی به گفتن نیست که بقیه کشورها هم همین ظاهر برایشان کافی است و این فرصتی است تا بتوانی با خیال راحت کارت را در داخل کشور پیش ببری و از امکانات و فرصت‌های فراهم‌شده از سوی جامعه‌ی جهانی هم بیش‌ترین استفاده را بکنی. پس نکته را دریاب! تو به آسانی می‌توانی در کشورت «دموکراسی» و «انتخابات» داشته باشی اما ذات اصلی رژیم‌ات دیکتاتوری باشد. می‌پرسی چگونه؟ ما به تو یاد خواهیم داد.

دولت اغلب به تو رأی می‌دهند چون در صورت شکست تو در انتخابات، آن‌ها هم مزایای خود را از دست خواهند داد. تو به گروهی قوی از حامیان نیاز داری. برای این امر، باید شکم‌شان را خوب سیر کنی و بهترین روش برای این کار، پخش کردن مشاغل دولتی بین آن‌هاست. فقط مطمئن شو که این تازه‌استخدام‌شده‌ها

• دموکراسی را از نو تعریف کن

تا می‌توانی دایره‌ی موضوع را گسترده‌تر کن. می‌توانی بگویی دموکراسی یک پدیده‌ی «غربی» است و دموکراسی غربی با «دموکراسی بومی» که تو در کشورت داری متفاوت است. کاری نداشته باش که «دموکراسی بومی» اصطلاحی بی‌معنی است. فقط این اصطلاح را شاخ و برگ بده؛ هر چه بیش‌تر بهتر. دولت روسیه دموکراسی بومی را این‌گونه تعریف کرده است: «حق مردم برای انتخاب کردن بر اساس سنت‌ها و قوانین خودشان». دولت برمه (میانمار) خود را «دموکراسی بودایی» می‌نامد و پشت بندش اضافه می‌کند نظام دموکراسی‌اش بهتر از هر نظام دیگری قادر به حفاظت از منافع محرومان است و این نظام با «دموکراسی غربی» که صرفاً حافظ منافع سرمایه‌داران و ابزار دست ثروتمندان است، تفاوت اساسی دارد.

• شغل دولتی بساز

استخدام کارمندان تازه و بزرگ کردن اندازه‌ی دولت - حتی اگر آدم‌های استخدام‌شده کار چندانی هم برای انجام دادن نداشته باشند - شیوه‌ی دیرینه‌ای برای ایجاد شغل است. با درست کردن وزارتخانه‌ها و ادارات تازه به چند هدف می‌رسی: خلق فرصت‌هایی برای حامی‌پروری، اعمال نفوذ روی افراد و افزایش اندازه‌ی تیمی که در انتخابات‌های بعدی از تو حمایت خواهند کرد. کارمندان



کاری از Quimo کاریکاتورسیت آرانتینی

هر گونه توهین و افتزایی به شخص اول مملکت جرم تلقی شود. بر این اساس افراد «توهین کننده» بلافاصله محکوم و زندانی خواهند شد. مزیت این قانون، اختیاری است که به تو برای خفه کردن صدای منتقدان و روزنامه نگاران معترض می دهد.

• شفافیت خطرناک است

تو و منصوبانات نباید ملزم به افشای هیچ اطلاعات مالی و اقتصادی ای باشید. قوانین کشوری را طوری تنظیم و تصویب کن که خودت و نهادهای فرمان بردارت هیچ وقت مجبور به حساب پس دادن به کسی نباشی. تو رئیس مملکتی و کسی از تو بالاتر نیست که مجبور به پاسخگویی به او باشی. مقاماتی که توسط تو دستچین شده و بر مصادر امور نشسته اند نیز باید در برابر چنین حساب کشی هایی مصون باشند. ثروت شخصی ات، منابع درآمدی ات و چیزهایی مانند این، «اطلاعات فوق محرمانه کشور» به شمار می روند! روندها و سازوکارهای رژیم ات باید طوری باشد که امکان ردیابی پول هایی که به تو و حامیان ات می رسد، فراهم نباشد.

• نام خوشایندی روی قانون ات بگذار

اگر می خواهی زمین های کشاورزی در مناطق مرزی را مصادره کنی، نام قانون ات را بگذار «قانون امنیت مرزی». اگر می خواهی خدمت در ارتش و نیروهای نظامی را اجباری کنی، نامش را «قانون دفاع ملی» بگذار. اگر می خواهی رسانه های کشور را وادار به سکوت کنی، اسمش را «قانون امنیت ملی» بگذار. خلاق باش! در میانمار ژنرال های حاکم، در سال ۲۰۱۰ قانونی وضع کردند به نام «نقشه ی راه دموکراسی» اما هدف این پروژه چیزی بود صد و هشتاد درجه برعکس اسمش: تحکیم قدرت دیکتاتوری حاکم بر کشور.

• قانون را در دقیقه نود و تحت شرایط به ظاهر اضطراری عرضه کن

یک دیکتاتور واقعی به بحث و مناظره درباره ی چندوچون قوانین اش نیازی ندارد. برای کوتاه کردن چنین بحث هایی، قانون پیشنهادی ات را در آخرین لحظات عرضه کن؛ مثلاً در عصر روزی که فردایش آغاز تعطیلات عمومی است یا آخرین لحظات قبل از این که ضرب الاجل سیاسی به پایان برسد.

منبع:

- خودآموز دیکتاتورها، رندال وود و کارمینه دولوکا، نشر ثالث، ۱۳۹۸، (فصل ۳: ساختن و اداره کردن حکومت ات).

در ازای لطفی که به آن ها کرده ای، به تو وفادار خواهند بود، در تظاهرات فرمایشی به نفع تو شرکت خواهند کرد و نام تو را در صندوق آراء خواهند انداخت. اگر به این وظایف عمل کنند، دیگر مهم نیست کل روز را در دفتر کارشان چرت بزنند و قهوه بخورند.

• از کارآمدی بر حذر باش!

هیچ چیز بدتر از وزیرری کارآمد نیست که محبوب همگان می شود و نام خودش را با اصلاح و پیشرفت گره می زند. وزیران ات هیچ گاه نباید تو را تحت الشعاع قرار دهند. منظورمان این است که آن ها باید تا حدودی ناکارآمد باشند مگر این که کارآمدی شان مستقیماً به شخص تو نسبت داده شود. یادت باشد وزیرری که در کارش زیادی موفق باشد یا پروژه های مورد نظر مردم را با موفقیت به انجام رساند، به یک تهدید سیاسی علیه تو تبدیل می شود، زیرا احتمال دارد مردم کارنامه ی حرفه ای او را با کارنامه ی تباه تو مقایسه کنند و در این مقایسه خودت خوب می دانی که بازنده کیست! درجه ی کارآمدی نیروهای تو حد مشخصی دارد و از این حد که بگذرد یا باید عزل شان کنی یا جلوی کارآمدی شان را بگیری.

• راه اندازی «دادگاه چپانی»

دستگاه قضایی رژیم ات اهمیت زیادی دارد، زیرا زدوبندها و کثافت کاری های سیاسی ات به تفسیرهای هوشمندانه از قوانین [توسط قضات] نیازمند است. برای رسیدن به حکومت تک نفری ایدئالات باید بیش از هر جای دیگر، نظام قضایی را کنترل کنی. اگر تو توانی قاضی ها و دادگاه ها را کنترل کنی، یعنی کنترل تقریباً همه چیز کشورت را در دست داری و هر مانوری که دلت بخواهد می توانی بدهی.

ژنرال سوهارتو، دیکتاتور اندونزی، همه ی قاضیان را خودش انتخاب و منصوب می کرد. در میانمار، قاضیان بر اساس دستورات «شورای حکومتی» نظامیان حاکم بر کشور احکام قضایی صادر می کنند. به این فرایند «دادگاه چپانی» می گویند که معنای آن، چپاندن آدم های طرفدار خودت به عنوان قاضی در دادگاه هاست. کاری کن که قاضیان کشورت، مصونیت حقوقی و شخصی نداشته باشند تا در صدور احکام، مستقل و بدون واهمه عمل نکنند، بلکه مجبور شوند قبل از صدور هر حکمی جوای نظر شما باشند و بر این اساس حکم شان را صادر کنند.

• قانونی بر علیه توهین و افترا تصویب کن

تو رئیس مملکتی و کسی حق ندارد به تو توهین کند. توهین که جای خود؛ کسی نباید جرأت انتقاد کردن از تو را داشته باشد. یکی از کارهای ضروری، تصویب قانونی است که بر اساس آن،